

مقدمه

«امداد» در اصطلاح قرآن کریم، از ریشه (م د د) است که به نوعی کمک‌رسانی به نحو متصل و پی در پی اطلاق می‌شود و در کارهای نیک و ناپسند به کار می‌رود (راغب‌اصفهانی، ۱۲: ۴۱۲، ص ۷۶۳). امداد کمک و لطف الهی است که شامل تمام هستی می‌شود (راغب‌اصفهانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۴۶). سنت امداد در قرآن کریم، به دو گونه عام و خاص قابل تقسیم است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۴۵-۳۴۴). در این تحقیق، علاوه بر سنت امداد عام، بیشتر به سنت امداد خاص، که شامل مؤمنان می‌شود و در شرایط مشخصی به ایشان عطا می‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۸۰)، پرداخته خواهد شد. اما «امداد» در اصطلاح عهد عتیق، شامل هرگونه تلاش خداوند در جهت کمک و یاری به قوم خود و انبیای بنی‌اسرائیل را می‌شود (پیدایش ۲۸: ۱۵ و تثبیه ۲: ۷).

امداد از سنت‌های الهی مطرح در قرآن کریم و عهد عتیق است و آیات و فقرات قابل توجهی در این دو منبع به آن اختصاص یافته است (ر.ک: مجادله: ۲۱؛ صافات: ۱۷۱-۱۷۳؛ غافر: ۵۱؛ یونس: ۱۰۳؛ انفال: ۴۰). این سنت، براساس قرآن کریم مربوط به زمان و مکان خاصی نیست و اختصاص به یک امت و قوم ندارد (روم: ۴۷). اما این سنت در عهد عتیق، مختص به بنی‌اسرائیل است که در راستای تحقق وعده خداوند و به جهت عهد و پیمانی است که میان یهوه و پدران این قوم، از جمله ابراهیم علیه السلام و اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام بسته شده است (ر.ک: پیدایش ۱۳: ۱۶-۱۵ و ۱۸: ۱۵ و ۲۶: ۵-۳؛ تثبیه ۹: ۵).

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق به دو صورت عام و خاص مطرح است؛ منظور از پیشینه عام، بحث از سنت‌های الهی در قرآن کریم و سنت‌های الهی در عهد عتیق، همچنین سنت امداد در قرآن کریم و سنت امداد در عهد عتیق بدون تطبیق است. منظور از پیشینه خاص، بحث تطبیقی سنت امداد در قرآن کریم و عهد عتیق است که هیچ تحقیقی در حیطه پیشینه خاص و همچنین بحث از سنت امداد غیبی از دیدگاه عهد عتیق یافت نشد. بنابراین، اهمیت بحث امدادهای الهی از دیدگاه قرآن کریم و عهد عتیق، کاملاً محسوس و جدی است. افزون بر این، بررسی‌های گذشته در حیطه پیشینه عام، با توجه به اینکه اختصاص به متن قرآن کریم و روایات داشته است، از اهمیت موضوع مورد نظر نمی‌کاهد، بلکه نیاز به واکاوی و تبیین آن در قرآن کریم جهت مقایسه با عهد عتیق را بیشتر نمایان می‌سازد.

ملاحظه شباهت‌ها و تفاوت‌های سنت امداد غیبی و مقایسه آن با این سنت در عهد عتیق، زوایای جدیدی از بحث را به روی محققان می‌گشاید. قطعاً در نهایت گامی به جلو در طرح مباحث تطبیقی

بررسی تطبیقی «سنت امداد» در قرآن کریم و عهد عتیق

نگارنده: حسن صفایی* / سید اکبر حسینی قلعه‌بهن**

چکیده

بخش عمده‌ای از امدادهای غیبی خداوند در قرآن کریم، مربوط به امت‌های پیشین و پیروان ادیان گذشته است. در این میان آیتی که درباره بنی‌اسرائیل یا قوم موسی علیه السلام نازل شده، از سایر امت‌ها بیشتر به چشم می‌خورد. بحث «امداد» از دیدگاه قرآن کریم در بعضی موارد به لحاظ نوع، شرایط و کارکردها، با عهد عتیق مشابهت دارد. امدادهای خداوند هنگام خروج از مصر و یاری یهوه در بیابان و اعطای انواع نعمت‌های درخواستی از سوی پروردگار در قرآن کریم هم مطرح است. هرچند در برخی موضوعات، بین قرآن کریم و عهد عتیق اختلاف وجود دارد. در قرآن کریم از تعهد خداوند مبنی بر اعطای سرزمین، به ذریه ابراهیم علیه السلام، از طریق اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام، آن گونه که در عهد عتیق به آن اشاره شده است، سخنی به میان نمی‌آید. همچنین دادن سرزمین موعود به بنی‌اسرائیل به‌طور مطلق مطرح نیست، بلکه منوط به عدم تخلف از دستورات الهی است. آنچه که از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود، رهایی قوم بنی‌اسرائیل از بندگی و اسارت فرعون و وراثت زمین در جهت عبادت آزادانه خدای متعال است. برخی دیگر از انواع امدادها، مربوط به جامعه مسلمانان در صدر اسلام است.

این مقاله، ضمن اشاره به تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در این زمینه، ویژگی‌های امدادهای غیبی در قرآن کریم و عهد عتیق را از نظر مفهوم، انواع، شرایط و کارکردها بررسی می‌کند. کلیدواژه‌ها: سنت، امداد غیبی، امداد خاص، قرآن کریم، عهد عتیق، بنی‌اسرائیل.

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

akbar.hosseini37@yahoo.com

** استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

خواهد بود. در این بررسی، ضمن تلاش در برای دستیابی به حقیقت سنت امداد از دیدگاه قرآن کریم و عهد عتیق به عنوان سؤال اصلی، به پرسش‌های فرعی زیر نیز پاسخ خواهیم داد:

۱. شرایط دریافت امداد الهی در قرآن و عهد عتیق چیست؟
۲. انواع امداد از دیدگاه قرآن و عهد عتیق چیست؟
۳. کارکردهای امداد در قرآن و عهد عتیق چیست؟

پرداختن به مسئله امداد و آگاهی از شرایط، انواع و کارکردهای این سنت اجتماعی، از مصادیق آشکار تأمل و تدبّر در آیات قرآن کریم است. وظیفه هر انسان خداپاور، به‌ویژه دانش‌پژوهان عرصه دین‌شناسی است که با واکاوی و دقت نظر درباره حقیقت سنت امداد غیبی، گامی به جلو در جهت فهم بهتر حقیقت ادیان آسمانی، بخصوص دین مبین اسلام بردارند. قرآن کریم با خطاب قرار دادن اهل کتاب، بخصوص یهودیان عصر رسالت پیامبر اکرم ﷺ، ایشان را در موارد اختلاف به کتاب خود ارجاع می‌دهد و از آنها می‌خواهد تا براساس تورات و انجیل خود عمل کنند (آل‌عمران: ۹۳) و آن را به درستی اقامه کنند (مانده: ۶۶). ائمه معصومین ﷺ نیز در گفت‌وگوها و مناظرات خویش با اهل کتاب، ضمن استناد به فقرات و مطالب کتاب مقدس، با اهل کتاب براساس اعتقاد خودشان احتجاج می‌کردند و آنها را به حقانیت و کامل بودن دین اسلام رهنمون می‌شدند. این تحقیق نیز در نظر دارد تا با بررسی تطبیقی سنت امداد غیبی از دیدگاه قرآن کریم و عهد قدیم، گامی هرچند کوچک در تبیین و روشن‌سازی ماهیت و رویکرد این دو کتاب در حیطه مفهوم، انواع، شرایط، اهداف و کارکردهای این سنت الهی بردارد.

در اینجا، توجه به دو مطلب لازم است: اول اینکه از یک‌سو، برخی کمک‌های ویژه الهی به‌رغم غیرعادی بودن، مستند به اسباب طبیعی است و از سوی دیگر، معجزات و کرامات نیز به سبب‌های طبیعی غیرعادی مستند است. بنابراین، مناسب است تفاوت میان معجزات و انواع امدادهای خداوند روشن شود. به نظر می‌رسد، مهم‌ترین ویژگی جداکننده معجزات پیامبران و کرامات اولیا از امدادهای غیبی، این است که گرچه هر دو به اذن خدا و وساطت نیروهای غیبی و اسباب طبیعی غیرعادی انجام می‌گیرد، ولی در معجزه و کرامت، خود شخص نقش اصلی را دارد. اما در امداد غیبی، شخص چنین نقشی ندارد و درحالی‌که امیدش از همه جا قطع شده، مدد الهی از او دست‌گیری می‌کند (ناصری، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۹۹).

نکته دیگر اینکه وقتی سخن از الهی بودن امداد به میان می‌آید، منظور این نیست که فلان عمل و نتیجه به‌طور مستقیم از خداوند صادر می‌شود، بلکه ممکن است ابزار فراوان طبیعی یا غیبی در کار

باشد، در عین حال کار و اثر آن به پروردگار منسوب است؛ چراکه او برای تقویت بینش و گرایش توحیدی، پدیده‌ها را به خود نسبت می‌دهد تا در عین تقویت بینش توحیدی، آدمیان را با توحید افعالی نیز آشنا سازد (مصباح، ۱۳۸۰، ص ۴۲۶). اگرچه توجه به این نکات، در تفهیم بهتر امدادهای غیبی از منظر قرآن کریم بسیار مؤثر است، اما می‌تواند در وجه امداد بودن معجزات و اعمال پیامبران در عهد عتیق نیز ما را یاری کند؛ چراکه اعمال نجات‌بخش در عهد عتیق از سویی منسوب به خداوند است و از سوی او انجام می‌گیرد، به‌گونه‌ای که خداوند در جهت امداد و یاری بنی‌اسرائیل تمام توان خود را به کار می‌بندد و به موسی ﷺ چنین خطاب می‌کند: «اینک عهدی می‌بندم و در نظر تمامی قوم کارهای عجیب می‌کنم که در تمامی جهان و در جمیع امت‌ها کرده نشده باشد...» (خروج ۱۰: ۳۴) و از سوی دیگر ممکن است این امدادها در قالب معجزه هم محقق گردد. برای مثال، ارائه معجزات توسط موسی ﷺ، به امر الهی و در راستای نجات قوم صورت می‌گیرد و ملاک امداد غیبی را هم داراست:

و خداوند به موسی گفت: بین تو را بر فرعون خدا ساخته‌ام و برادرت هارون، نبی تو خواهد بود. هر آنچه به تو امر نمایم تو آن را بگو و برادرت هارون، آن را به فرعون بازگوید، تا بنی‌اسرائیل را از زمین خود رهایی دهد... پس خداوند موسی و هارون را خطاب کرده، گفت: چون فرعون شما را خطاب کرده، گوید معجزه‌ای برای خود ظاهر کنید، آنگاه به هارون بگو عصای خود را بگیر و آن را پیش روی فرعون بینداز، تا ازدها شود... (خروج ۷: ۱-۱۰).

اکنون که شناخت اجمالی از سنت امداد غیبی در قرآن کریم و عهد عتیق به‌دست آمد، به بررسی تفصیلی این سنت به‌طور تطبیقی خواهیم پرداخت:

الف. مفهوم امداد

از دیدگاه قرآن کریم، امداد خداوند به‌عنوان یک قانون و سنت الهی مطرح می‌گردد (صافات: ۱۷۱-۱۷۳؛ مجادله: ۳۱). خداوند با اشاره به سرگذشت پیشینیان، همگان را به تأمل و تفکر در این باره دعوت می‌کند (آل‌عمران: ۱۳۷). از دیدگاه قرآن کریم، عملکرد امت‌های سابق و همچنین نحوه رفتار خداوند در قبال آنان یک سنت جاری و همیشگی است (فاطر: ۴۳). قرآن کریم با تصریح بر تغییرناپذیری سنت‌های الهی، امداد و نصرت خود را به‌عنوان یک سنت و قانون دائمی مشمول پیامبران و مؤمنان در همه زمان‌ها می‌داند (غافر: ۵۱). درحالی‌که امداد در عهد عتیق اختصاص به قوم بنی‌اسرائیل دارد (خروج ۷: ۸-۶). این سنت در خصوص ایشان جاری است و سایر اقوام را شامل نمی‌شود (پیدایش ۱۵: ۲۸). روشن است هرگونه امداد و یاری‌رسانی در عهد عتیق، هرچند تحت عنوان یک قانون و سنت دائمی و مشروط به اعمال انسان‌ها می‌باشد، نه تنها محدود به فرزندان اسرائیل است، بلکه خداوند

در جهت تحقق وعده‌های خویش نسبت به قوم مبنی بر حمایت از آنان تلاش می‌کند و حتی سایر اقوام و افراد را از سر راه برمی‌دارد (خروج ۴: ۲۲-۲۳).

ب. انواع امداد

براساس آیات قرآن کریم «امداد» در ابتدا به دو نوع عام و خاص بیان می‌شود (اسراء: ۱۸-۲۰). در گام بعدی، امداد خاص به دو گونه دنیوی و آخروی قابل تقسیم است (غافر: ۵۱). موضوع امدادهای خاص دنیوی نیز گاه افراد و گاه یک امت و یا اجتماع بشری است. در حالی که، در عهد عتیق، امداد خاص عمدتاً در این دنیا و برای نجات یک قوم است و این جای تعجبی ندارد؛ زیرا بیشتر تعالیم موسی علیه السلام مبتنی بر اخلاق عملی و مبادی اعمال روزمره مربوط به حیات دنیوی است (حکمت، ۱۳۴۵، ص ۱۸۱). برای نمونه، در بسیاری از فقرات تورات، وقتی سخن از عبادت خدا و اطاعت او می‌رود، نتیجه‌ای که برای آن بیان می‌شود، مربوط به همین دنیاست. اموری مانند عمر طولانی، آبادانی مزارع، باروری حیوانات و زندگی خوش در سرزمین موعود. همچنین زندگی سخت دنیوی، اسارت و آوارگی و قطع امدادهای خداوند... در نتیجه نافرمانی است (رک: سفر تشبه، باب ۵ و ۶). اکنون که تفاوت اساسی قرآن کریم و عهد عتیق در معرفی حقیقت سنت امداد غیبی در نوع نگاه به آنها روشن شد، به بررسی تطبیقی انواع امدادهای آسمانی در این دو منبع مقدس می‌پردازیم.

۱. انتقام از دشمنان

انتقام از دشمنان به واسطه نزول عذاب به‌عنوان یکی از انواع امدادهای الهی نسبت به مؤمنان، مانند آنچه در طوفان نوح، غرق شدن فرعون در دریا و عذاب‌های نازل بر قوم لوط به انجام رسید، در هر دو منبع به چشم می‌خورد. اکنون به دو نمونه از این نوع امداد، که در هر دو منبع، یعنی قرآن کریم و عهد عتیق آمده است، اشاره می‌کنیم.

۱-۱. طوفان نوح

در عهد عتیق، ساختن کشتی به دست نوح علیه السلام و با راهنمایی و کمک خداوند صورت می‌گیرد (پیدایش ۶: ۱۴-۱۶). در قرآن کریم نیز این امر تأیید می‌گردد و ساختن کشتی را به فرمان خداوند و مطابق وحی الهی می‌داند (هود: ۳۷). در عهد عتیق از نجات مؤمنان به نوح علیه السلام سخنی به میان نیامده است و خداوند از هلاکت تمامی انسان‌ها خبر می‌دهد و امداد خود را در این بخش به چگونگی ساخت کشتی و نجات نوح علیه السلام و خانواده او از همسر و فرزندان محدود می‌کند (پیدایش، ۱۳: ۶ و ۱۸). در حالی که، در قرآن کریم

علاوه بر موارد مذکور، از نجات مؤمنان به نوح علیه السلام نیز سخن به میان آمده است (هود: ۴۰). در تورات زن نوح علیه السلام جزو نجات‌یافتگان است (پیدایش ۱۸: ۶)، ولی در قرآن کریم، او به همراه فرزند نوح علیه السلام جزو غرق شدگان می‌باشند (هود: ۴۰ و ۴۶).

۱-۲. عذاب قوم لوط

نابودی قوم لوط، به‌عنوان یکی دیگر از مصادیق امدادهای خداوند در جهت یاری مؤمنان به لوط شمرده می‌شود. ماجرای دیدار فرشتگان با حضرت ابراهیم علیه السلام و مأموریت آنان، برای نابودی قوم لوط و مهمان شدن ایشان در خانه لوط علیه السلام در هر دو منبع وجود دارد. براساس آیات قرآن کریم و عهد عتیق، هنگامی که قوم لوط از حضور میهمانان در خانه لوط علیه السلام با خبر می‌شوند، قصد انجام عمل شنیع را می‌نمایند که با مخالفت لوط علیه السلام مواجه می‌شوند. مأموران خداوند به لوط علیه السلام یادآور می‌شوند که ما این مکان را از بین خواهیم برد. بنابراین، خود و خانواده‌ات را از این شهر بیرون ببر مبادا هلاک شوید. نزول عذاب آسمانی به‌صورت باران آتش و هلاکت همسر لوط به همراه قومش، نیز در هر دو کتاب آمده است (رک: حجر: ۵۱-۷۴؛ پیدایش، ۱۹).

۲. آیات و معجزات الهی

بروز آیات الهی مثل بلاهایی که بر فرعونیان وارد آمد، شکافته شدن دریا برای بنی‌اسرائیل و انواع معجزاتی که در اختیار پیامبران از جمله موسی، داود و سلیمان علیهم السلام و... قرار می‌گیرد در قرآن کریم و عهد عتیق بسیار به هم نزدیک است.

۲-۱. نزول بلا بر مصریان

قرآن کریم از نزول پنج نوع بلا بر فرعونیان سخن می‌گوید (اعراف: ۱۳۳) و در مجموع آیاتی را که به موسی علیه السلام داده شد، نه آیه و نشانه می‌داند (اسراء: ۱۰۱). مفسران اسلامی در تبیین تعداد این آیات، معجزه عصا و ید بیضا و همچنین شکافتن دریا و صخره را به ضمیمه پنج بالای مذکور نموده‌اند. در حالی که، تعداد بلاها در عهد عتیق ده بلاست و برخی از آنها با آنچه که در قرآن کریم آمده است به لحاظ اسم متفاوت است (رک: خروج ۷-۱۲).

۲-۲. امداد موسی علیه السلام

تأیید موسی علیه السلام به وسیله هارون علیه السلام به‌عنوان شخصی سخنور و توانا و به‌عنوان کمک‌کار موسی علیه السلام، حکومت و فرمانروایی داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام، عنایت خداوند به یوسف علیه السلام با اختلافات اندک و... از

مشترکات امداد الهی است. در قرآن کریم، موسی علیه السلام علاوه بر درخواست وزارت هارون علیه السلام، از خداوند طلب شرح صدر می‌کند (طه: ۲۵). در قرآن کریم از الهام به مادر موسی علیه السلام و گذاشتن موسی در صندوق و انداختن او در رود نیل به‌عنوان کمک الهی یاد شده است (قصص: ۷). اما در عهد عتیق، این کار هیچ‌گونه ارتباطی با الهام غیبی ندارد و اشاره‌ای هم به درخواست شرح صدر توسط موسی علیه السلام نشده است.

۲-۳. امداد یوسف علیه السلام

همچنین در عهد عتیق از همراهی خداوند با یوسف علیه السلام در همه مراحل زندگی و نفوذ او در دل‌های مردمان سخن به میان آمده است (رک. پیدایش ۲: ۳۹ و ۲۱). ساموئیل شولتز در این زمینه می‌گوید: «یوسف علیه السلام که توسط زن فوطیفار و سوسه شده بود، به گناه تن در نداد. او نمی‌خواست نسبت به خدا گناه ورزد. وی در زندان با صداقت تمام اظهار داشت که تعبیر خواب‌ها به خداوند تعلق دارد» (پیدایش ۸: ۴۰). وقتی که به حضور فرعون بار یافت، این حقیقت را مورد تصدیق و تأیید قرار داد که خدا توسط خواب‌ها، آینده را مکشوف می‌سازد (پیدایش ۱۶: ۴۱). او همچنین در تفسیری که از تاریخ به‌دست داد، خدا را عامل اساسی تحولات معرفی نمود. در آشکار کردن هویت خود به برادرانش، وی با تواضع کامل خدا را عامل آمدنش به مصر شمرد. وی ضمن بخشیدن برادرانش به آنها، اطمینان داد که درصدد انتقام‌جویی نیست. خدا وقایع تاریخ را طوری ترتیب داده بود که برای همه آنها به خیریت بیانجامد (پیدایش ۷: ۴۵). ارتقای مقام یوسف علیه السلام، پاداشی برای احترام و تکریم خدا در فراز و نشیب‌های مختلف زندگی بوده است» (شولتز، بی‌تا، ص ۳۳). قرآن کریم نیز علاوه بر بیان مواهب الهی مانند بزرگی مقام یوسف علیه السلام و اقتدار او در زمین، به آموختن تعبیر خواب، اعطای مقام نبوت، علم، و نجات یوسف علیه السلام از آلودگی از ناحیه خداوند اشاره می‌کند (یوسف: ۲۱-۲۴).

۲-۴. امداد داود و سلیمان علیهم السلام

قرآن کریم با بیان امتیازات ویژه به داود علیه السلام، از جمله آموزش ساختن زره برای مقابله با خطرات در صحنه جنگ و نجات جان مؤمنان از قدرت دشمن، حکایت می‌کند (انبیاء: ۸۰). در حالی که عهد عتیق از میان این مباحث، فقط به جریان قتل قهرمان فلسطینی، جالوت توسط داود علیه السلام می‌پردازد (رک: اوئل سموئیل ۵۰: ۱۷) و از تولد سلیمان علیه السلام به‌عنوان وعده الهی اشاره دارد (رک: دوم سموئیل ۱۲: ۷). مطابق عهد قدیم، سلیمان علیه السلام تنها حکمت و علم را از خداوند درخواست می‌کند و خداوند از ناحیه خود به او مَسْنَد

حکومت را هم می‌دهد، اما قرآن کریم از قول سلیمان علیه السلام چنین حکایت می‌کند که او از خداوند درخواست حکومت و فرمانروایی کرد، آن هم فرمانروایی که شایسته هیچ‌کس دیگر نباشد (ص: ۳۵). بر این اساس، خداوند امکانات فراوانی از جمله باد و تسلط بر شیاطین و اجنه را در اختیار سلیمان علیه السلام قرار می‌دهد (سبأ: ۱۲) و او را در برقراری حکومت توحیدی در زمین یاری می‌کند.

در قرآن کریم درباره مطالبی که در عهد عتیق راجع به کیفیت پادشاهی سلیمان علیه السلام گفته شده، شاهی یافت نمی‌شود. آنچه به‌طور قطع در این زمینه می‌توان گفت، همان بیان قرآن کریم است که سلیمان علیه السلام دارای مُلک و فرمانروایی بی‌ظنری بوده است. خداوند اسباب و اختیارات ویژه‌ای برای او قرار داده بود. سلیمان علیه السلام نیز به‌عنوان یک پیامبر بزرگ الهی از این امکانات در جهت تحکیم دین خداوند و اجرای احکام الهی در زمین استفاده می‌کرده است. اما داشتن کاخ‌های متعدد و همچنین همسران بی‌شمار و اینکه همگان از اطراف و اکناف جهان برای او هدایا و جواهرات بیاورند، با رسالت اصلی سلیمان علیه السلام یعنی هدایت و رهبری معنوی بنی‌اسرائیل تنافی دارد. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

دایره سلطنت سلیمان علیه السلام بر خلاف آنچه معروف است، از نظر کمیت وسیع نبوده، همین حدود فلسطین بوده. آنچه قرآن نقل می‌کند، از نظر قدرت شگرف و فوق‌العاده آن حضرت است، نه وسعت کشورش که همه دنیا را گرفته باشد. حتی اطلاع درستی نداشت که اصلاً در جاهای دیگر دنیا چه می‌گذرد. از جمله خبردار نبود که در همین یمن اوضاع از چه قرار است (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۱۵).

بی‌شک دولت و حکمت سلیمان علیه السلام سرآمد همه پادشاهانی بود که در اورشلیم سلطنت کردند (رسول‌زاده، ۱۳۸۹).

۳. امداد بنی‌اسرائیل

امداد نسبت به قوم بنی‌اسرائیل در قرآن کریم، همانند عهد عتیق فراگیر است. در قرآن کریم بارها از نعمت‌های خداوند درباره این قوم سخن به میان آمده است. نجات از ستم فرعون، نزول من و سلوی و سایه انداختن ابر بر بنی‌اسرائیل در مدت چهل سال سرگردانی در بیابان و اعجاز‌های پی‌درپی موسی علیه السلام، مانند شکافتن دریا و خلاصی از ستم فرعون و همچنین بیرون آوردن آب از صخره به جهت رفع تشنگی از جمله این امدادهاست (بقره: ۴۹-۶۰).

۳-۱. رابطه میان برگزیدگی و امداد الهی

برگزیدگی بنی‌اسرائیل، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های این قوم در عهد عتیق مطرح است. ابتدا، به تبیین

مفهوم برگزیدگی می‌پردازیم تا میزان و صحت ارتباط آن را با امدادهای یهوه دریابیم. جان رهنلزر دربارهٔ اندیشهٔ برگزیدگی چنین می‌گوید:

این اندیشه که قوم اسرائیل قوم برگزیدهٔ خداوند است در وجدان یهودی با پیام وحیانی تعالیم اسفار حَمَسَه به حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل، هنگام خروج از سرزمین مصر، که در بیابان‌ها سرگردان بودند، تداعی می‌شود. کسی که یهود را از بین همهٔ ملّت‌ها برگزیده و تورات خویش را به آنها داده است (هینلز، ۱۳۸۵، ص ۸۳ و ۸۲).

رابرت ویر می‌افزاید: «بنی اسرائیلیان هرگز خود را صرفاً به‌عنوان یکی دیگر از اقوام روی کرهٔ زمین ندیده‌اند، بلکه معتقد بوده‌اند که آنان قوم برگزیدهٔ الهی بوده، از جهت توجه و علاقهٔ خداوندی در مرتبهٔ نخست قرار دارند» (ویر، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۲۲). در کتاب تحقیقی در دین یهود دربارهٔ ریشهٔ اندیشهٔ برگزیدگی چنین آمده است:

هزاران سال قبل که مردم خاورمیانه معتقد به وجود هفتاد خدا بودند که سرپرستی و محافظت از هفتاد قوم زمین را بر عهده داشتند، تصور اینکه یهوه قوم برگزیده و ارثیه و سهمیهٔ خود را مورد عنایت و توجه مخصوص قرار دهد، بسیار عادی و موجه به نظر می‌رسیده است (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۴۸۰).

برخی نیز ضمن ردّ این پندار به‌صورت مطلق، دیدگاهی نزدیک به مسلمانان دارند: کرن آمسترانگ می‌گوید:

آنان گمان می‌کردند قوم برگزیدهٔ خداوندند؟ آنان معنای عهد خود با خدا را پاک بد فهمیده بودند؛ چراکه معنای آن مسئولیت بود و نه امتیاز. عاموس فریاد می‌کشد: این کلام را بشنوید که خداوند آن را به ضدّ شما ای اسرائیل و به ضدّ تمام خاندانی که از مصر بیرون آوردم، گفته است: «من شما را از تمامی قبایل زمین شناختم، پس شما را به سزای گناهاتان خواهم رسانید» (عاموس نبی ۲: ۳). این عهد نه به‌معنای آن بود که همهٔ قوم اسرائیل برگزیدهٔ خدا هستند و بنابراین، باید با شایستگی با ایشان رفتار شود. خداوند فقط برای این در تاریخ مداخله نمی‌کند که اسرائیل را بالا بکشد، مگر تا عدالت اجتماعی را برقرار کند. این خطروورزی او در تاریخ بود و اگر لازم می‌شد، ارتش آشور را هم به کار می‌گرفت تا عدالت را در سرزمین خود برقرار کند (آرمسترانگ، ۱۳۸۲، ص ۴۵).

ابن‌میمون هم در رد این جایگاه ویژه می‌گوید:

پیام کتاب مقدّس، جهانی است و به قوم اسرائیل اختصاص ندارد. برگزیدگی قوم به‌معنای برتری یا تقدیس ذاتی نیست. فقراتی از کتاب مقدّس که به این امر پرداخته‌اند، تنها بر یک گزینش مشروط دلالت دارند، نه بیش از آن. قوم اسرائیل برای تکلیف و وظیفه‌ای خاص برگزیده شده است. این هرگز بدان معنا نیست که این قوم دارای حقوقی خاص یا ویژگی‌هایی خاص است. برتری و تقدّس به قوم اسرائیل تاریخی و افراد خارجی تعلق ندارد، بلکه به یک اسرائیل اسطوره‌ای، که به‌عنوان یک مُدل و آرمان در نظر گرفته می‌شود، تعلق دارد. این برگزیدگی با اطاعت از دستورهای خداوند و رعایت شریعت تحقق می‌یابد. درحالی‌که سربچی از دستورهای خدا خفت و ذلت را در پی دارد (Atlas, 1999, p. 56).

با وجود این، در برخی فقرات عهد عتیق، میان برگزیدگی قوم و امدادهای خداوند نسبت به ایشان، ارتباطی مستقیم برقرار است:

خداوند دل خود را با شما نیست و شما را برنگزید از این سبب که از سایر قوم‌ها کثیرتر بودید؛ زیرا که شما از همهٔ قوم‌ها قلیل‌تر بودید. اما از این جهت که خداوند شما را دوست می‌داشت و می‌خواست قَسَم خود را که برای پدران شما خورده بود به جا آورد، پس خداوند شما را با دست قوی بیرون آورد و از خانهٔ بندگی از دست فرعون، پادشاه مصر، فدیه داد» (تثیبه ۷: ۸۷).

دقت در این فقره، نشان می‌دهد که چگونه عهد عتیق میان برگزیدگی قوم در راستای عهد خداوند با پدرانشان و نجات ایشان از ستم فرعون، به‌عنوان بزرگ‌ترین نجات در طول تاریخ بنی‌اسرائیل، ارتباط برقرار کرده است.

عهد عتیق در سفر لاویان رابطهٔ میان قوم خدا بودن و نجات از دست فرعونیان را چنین بیان می‌کند:

در میان شما خواهم خرامید و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود. من یهوه خدای شما هستم که شما را از زمین مصر بیرون آوردم تا ایشان را غلام نباشید... (لاویان ۱۲: ۲۶-۱۳). ... اسرائیل، پسر من و نخست‌زادهٔ من است و به تو می‌گویم پسر را رها کن تا مرا عبادت نمایند و اگر از رها کردنش ابا نمایی، همانا پسر تو، یعنی نخست‌زادهٔ تو را می‌کشم (خروج ۴: ۲۲-۲۳).

خداوند به یعقوب، پدر اسرائیلیان چنین می‌گوید: «اینک من با تو هستم و تو را در هرجایی که روی، محافظت فرمایم تا تو را بدین زمین بازآورم؛ زیرا که تا آنچه را به تو گفته‌ام، بجا نیاورم، تو را رها نخواهم کرد» (پیدایش ۱۵: ۲۸؛ رک. خروج ۱۰: ۳۴؛ تثیبه ۷: ۲ و ۳۸: ۴). اکنون می‌توان گفت که براساس عهد عتیق، ارادهٔ خدا که در آغاز بر این استوار بود، که همهٔ انسان‌ها را سرپرستی کند و در جهت احیای همهٔ مردم بکوشد. با استقرار در خاندان ابراهیم علیه السلام پایان یافت و خدا به خدایی بدل گشت که متکفّل امر خاندان خاصی است. بنی‌اسرائیل در تعامل خود با خدا با تکیه بر این باور که آنها تنها قوم برگزیدهٔ خداوند و با تکیه بر این باور، که وجه و اعتبار هر خدایی بستگی به رفاه حال پیروانش دارد، معتقد بودند که خدا در هنگام مشکلات و سختی‌ها، به یاریشان خواهد شتافت (صادق‌نیا، ۱۳۸۱).

اما قرآن کریم، هرگونه اندیشهٔ برگزیدگی نسبت به بنی‌اسرائیل را رد می‌کند (مائده: ۱۸). تنها از نوعی فضیلت و برتری برای ایشان سخن می‌گوید و آن را از جمله نعمت‌های خود بر این قوم می‌داند (بقره: ۴۷). با استفاده از آیات قرآن کریم، می‌توان به شاخص‌های این برتری دست یافت. عواملی مانند فراوانی پیامبرانی که برای هدایت ایشان مبعوث شدند، حاکم و صاحب اختیار خود شدن بعد از رهایی از دست فرعون و انواع امدادهای دیگر، که به این قوم اختصاص یافت، وجه

برتری ایشان بر دیگران می‌باشد (مانده: ۲۰). علاوه بر این، مقصود از این برتری کلیت داشته و شامل همه زمان‌ها نمی‌شود، بلکه آن را باید نسبت به اقوام معاصر بنی‌اسرائیل لحاظ کرد؛ زیرا بی‌شک به شهادت قرآن کریم، امت اسلام بالاترین امت‌هاست (آدم‌مران: ۱۱۰)؛ زیرا به روشنی می‌توان دریافت که بنی‌اسرائیل در آن زمان، وارث تمام جهان نبودند، بلکه وارث مشرق‌ها و مغرب‌های سرزمین‌های وسیع و پهناوری شدند (کریستون، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳).

بنابراین، در منطق عهد عتیق برگزیدگی بنی‌اسرائیل در وقوع امدادهای یهوه بسیار تأثیرگذار است و می‌توان از آن، به‌عنوان یکی از اسباب امدادهای الهی نام برد که در تحقق نوع منحصر به فردی از امداد نقش دارد. درحالی‌که براساس آیات قرآن کریم، چنین تصویری در حدّ یک پندار مردود است.

۳-۲. برکت در نسل و اعطاء سرزمین

برکت در نسل و اعطاء سرزمین نیز از یکی از انواع امدادهای خداوند و جلوه‌ای از نصرت الهی در یاری و تقویت بنی‌اسرائیل، در مقابل دشمنان و سایر اقوام است. در باب پانزدهم از سفر پیدایش، سخن از دو وعده است که خداوند به ابراهیم علیه السلام می‌دهد: یکی اینکه از نسل او قومی بزرگ به وجود می‌آورد و دیگر اینکه آن سرزمین را که از رود نیل تا رود فرات امتداد دارد، به آنان خواهد بخشید. همه سؤال و دغدغه ابراهیم علیه السلام هم این است تا مطمئن شود خداوند به وعده‌های خود عمل می‌کند یا خیر. درحالی‌که در قرآن کریم، نه تنها سخنی از قوم و سرزمین به این صورت نیست، بلکه دغدغه اصلی ابراهیم علیه السلام یکتاپرستی و شناخت خدای یگانه است. وی قبل از اینکه نیای یک قوم باشد، یک پیامبر بزرگ الهی است که در راه نجات مردم زمان خود از شرک و بت‌پرستی، از جان و مال و خانه و کاشانه خود می‌گذرد (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

از عهد عتیق چنین به‌دست می‌آید که دادن سرزمین مقدس به بنی‌اسرائیل، به‌عنوان یک وعده مشروط مطرح است (تثنیه ۶: ۱۸). قرآن کریم با تأیید این مطلب، از بنی‌اسرائیل می‌خواهد تا وارد سرزمین مقدس شوند و با بت‌پرستان ساکن در آنجا به امر الهی جهاد کنند (مانده: ۲۱ و ۲۲).

روشن است مطابق عهد عتیق، برکت و فراوانی نسل ابراهیم علیه السلام، مشروط به پاسداشت احکام خداوند و تا زمانی است که بنی‌اسرائیل مطابق فرمان الهی عمل کنند. علاوه بر این، اگر خداوند چنین خواسته باشد، این وعده شامل بنی‌اسماعیل نیز می‌شود؛ زیرا اسماعیل علیه السلام نیز فرزند ابراهیم علیه السلام است. همچنان‌که عهد عتیق در برخی فقرات به عظمت امت و فراوانی نسل از طریق اسماعیل علیه السلام اشاره دارد (پیدایش ۲۰: ۱۷). بیان نام ساره و محوریت آن نیز به دلیل گرایش

قومی است؛ یعنی ساره مادر بزرگ بنی‌اسرائیل است. درحالی‌که در قرآن سخنی از قومیت نیست (اشرفی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۰).

۴. امداد در صحنه نبرد

امداد در جنگ‌ها، گونه دیگری از امدادهای الهی در قرآن کریم و عهد عتیق است. برای نمونه، پیروزی داود علیه السلام بر جالوت قهرمان کنعانیان و کشتن او به دست داود در این دو منبع وجود دارد (بقره: ۲۵۱؛ اول سموئیل ۵۰: ۱۷). عهد عتیق از همراهی خداوند با قومش در جنگ‌های بنی‌اسرائیل خبر می‌دهد (دوم تواریخ ۲۰: ۱۷)، به‌گونه‌ای که یهوه پیشاپیش، دشمنان را از حضور قوم اخراج می‌کند (خروج ۲۳: ۲۳). به هر حال، آنچه که در این باره مسلم شمرده می‌شود و مورد تأیید آیات قرآن کریم نیز می‌باشد، حمایت خداوند از جامعه مؤمنان در جنگ با دشمنان دین است، که خداوند آن را به‌عنوان وظیفه برای خود لازم شمرده است (روم: ۴۷). در رابطه با امدادهای خداوند در عهد عتیق، دو نکته اساسی وجود دارد: یکی نحوه حضور خداوند در جنگ‌ها و دیگر فرمان قتل‌عام بی‌گناهان توسط خداوند است. اما حضور خداوند در جنگ‌ها، آن‌گونه که در عهد عتیق آمده است، مانند به گوش رسیدن صدای پای یهوه از بالای درختان توت (دوم سموئیل ۵: ۲۴) و اینکه قوم در جنگ بایستند و نجات خداوند را تماشا کنند (دوم تواریخ ۲۰: ۱۷)، اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد، مگر اینکه آن را به‌گونه‌ای خلاف معنای ظاهری‌اش تأویل کنیم. کسی که با عهد عتیق سروکار دارد، حضور محسوس و مشخص‌وار خداوند، مانند یک فرد خارجی را در میان بنی‌اسرائیل احساس می‌کند. رابرت چارلز زینر درباره تصور جامعه یهود از خداوند چنین می‌گوید:

در وهله نخست به نظر می‌رسد یهودیان باستان، مانند سایر اقوام سامی، الوهیت را در یک خداوند کاملاً مشخص‌وار که بر سرنوشت گروه‌ها نظارت و تسلط دارد، تجربه کرده‌اند. اما این تجربه در خصوص یهودیان شدت و حدت بسیار داشت و تصور می‌شد که خداوند کاملاً مشخص‌وار است. خداوند فقط برای اجرای نقش آنجا نبود. او به انسان رو کرده بود و خواستار هم‌پاری متقابل او بود (چارلز زینر، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۳۰).

امداد در جنگ‌ها از ناحیه دیگر نیز پذیرفتنی نیست:

در بعضی کتب عهد قدیم، به‌عنوان نمونه کتاب یوشع بن نون، یهودیان به انجام اعمال خشونت‌آمیز و موجس علیه غیریهودیان امر شده‌اند (ر.ک: یوشع، ص ۱۱). فرمان قتل‌عام مردم بدون توجه به زنان و کودکان یا سالخورده‌گان داده شده است. این نوع وحشی‌گری بی‌رحمانه کاملاً برخلاف عدالت خداوند است و یادآور بربریت فرهنگ‌های ملحدی که خدای اسطوره‌ای جنگ را می‌پرستیدند، می‌باشد (رنجبران، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

برخی ریشه این نوع خداشناسی را تأثیرپذیری از فرهنگ‌های بیگانه توسط یهودیان دانسته‌اند که در کتاب‌های مقدس آنها نیز نفوذ یافته است:

هنگامی که دین صحرا در جامعه شهری کنعان به قدرت و حکومت آلوده شد، تحت تأثیر فرهنگ کنعانی تغییر شکل داد و به آیینی که در تورات نشان‌هایی از آن یاد شده است، مبدل گردید. در هر قوم، عالی‌ترین و جالب‌ترین صفات موردنظر به خدا نسبت داده می‌شود و به زبان دیگر، خدای هر قومی معرف جهان‌بینی و طرز تفکر آن قوم است. خدای تورات مظهر قدرت و خشم و زور و قادری منتقم و بی‌گذشت و هراسناک است. در اولین صحنه‌ای که تصمیم می‌گیرد هویت خود را به قوم برگزیده‌اش بشناساند، مردم بی‌گناه مصر را شکنجه و هلاکت و مصیبت بر آنها نازل می‌کند تا بنی اسرائیلیان به اقتدار او ایمان آورند و در مقابلش سجده کنند. این صحنه‌های خونین تا مدت‌ها معرف یهوه و قوم یهود است، بخصوص که کشتار نمادین رساله یوشع نیز مکمل این قدرت‌نمایی‌ها می‌شود (آشتیانی، ۱۳۸۶، ص ۴۷۰).

به هر میزان خدای ادیان دیگر رؤف و مهربان است، به همان نسبت خدای بنی اسرائیل خشن است. یهوه به خود می‌بالد و فخر می‌کند که دشمنان قوم خود را به بهترین طریق از میان برمی‌دارد و برای پیروزی قومش از هیچ جنایتی روگردان نیست. قوانین جنگی، که برای قوم خود مقرر می‌دارد، بسیار وحشیانه و ظالمانه می‌باشد. هر شهری که مورد حمله و هجوم قوم بنی اسرائیل واقع می‌شود، می‌بایست بدون قید و شرط تسلیم و فرمانبردار می‌گشت. در غیر این صورت، قتل‌عام شده تمام ذکورانش کشته می‌شدند و زنان و دخترانش به تصرف قوم یهود در می‌آمدند و اموال آنان به باد غارت می‌رفت (رضایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۱۶).

اما در واقع منشأ چنین توصیفی از خداوند چیزی جز انعکاس نیرومند افعال و کردار و عقاید این قوم نیست (هاشم رضی، ۱۳۴۴، ص ۴۱۹).

بخش دیگری از امدادهای مطرح در قرآن کریم، مربوط به جنگ‌های مسلمانان با مشرکان و کفار در صدر اسلام است، در این‌گونه امدادها خداوند به وسیله عوامل طبیعی و همچنین لشکریان نامرئی مسلمانان را در مقابل دشمنانشان یاری می‌کند.

ج. شرایط امداد

یهودیت و اسلام به‌عنوان شاخه‌ای از ادیان توحیدی به‌شمار می‌روند؛ زیرا این دو دین، در مقایسه با دیگر ادیان، بیشترین مشترکات را در رابطه با اعتقاد به خدای واحد و پیامبران ارسالی از ناحیه او و اعتقاد به یک شریعت دارند. در قرآن کریم و عهد عتیق، ایمان به خداوند، پیامبران و کتاب آسمانی به‌عنوان شرط اساسی در جهت جلب امدادهای الهی است. برخی عوامل در این میان مشترک و برخی اختصاصی است که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۱. ایمان

با مراجعه به آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که ایمان به خداوند، پیامبران و تعالیم الهی، از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین شرایط برخوردار از امدادهای غیبی در این کتاب آسمانی است. بر این اساس، خداوند مؤمنان را در سایه ولایت و سرپرستی خویش قرار می‌دهد و آنها را از ظلمت و تاریکی به سوی نور و روشنایی هدایت می‌کند (بقره: ۲۵۷). بدین ترتیب، مؤمنانی که ولایت الهی را برگزیده‌اند و از ولایت طاغوت روگردان شده‌اند، مورد حمایت خداوند قرار گرفته و خداوند خود دفاع از آنها را به عهده گرفته است (حج: ۳۸). سایر آیاتی که بیانگر مفهوم امداد به‌عنوان یک سنت الهی است، به شرط ایمان در تحقق این سنت تصریح کرده است. طبق این آیات، خداوند نجات مؤمنان را به‌عنوان یک حق بر عهده خود، لازم می‌داند (یونس: ۱۰۳). در برخی آیات، خداوند خطاب خود را مستقیماً متوجه مؤمنان نموده و به ایشان وعده نصرت و تقویت می‌دهد (محمد: ۷).

در عهد عتیق نیز خداوند با نشان دادن آیات و انجام کارهای بزرگ برای ایمان آوردن و یا تقویت ایمان بنی اسرائیل و از جمله قوم موسی علیه السلام می‌کوشد (خروج ۳۱: ۴). در کتاب مقدس آمده است: «شخص عادل و نیکوکار به خاطر ایمان خود زنده خواهد شد» (حقوق ۴: ۲).

قرآن کریم از انسان‌ها می‌خواهد تا از هر دین و آیینی که هستند، به القاب و عناوین دینی خود تعصب نورزند و به اساس ادیان توحیدی، یعنی ایمان به خدا و روز جزا پایبند باشند (بقره: ۶۲). قرآن کریم با خطاب به اهل کتاب و از جمله یهودیان زمان خود، از آنها می‌خواهد تا به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان بیاورند و عهد خود مبنی بر انجام دستورات الهی وفادار بمانند و آن را کامل نمایند (بقره: ۴۱). قرآن کریم می‌افزاید: اگر بنی اسرائیل و یهودیان به مواعظ این کتاب آسمانی گوش می‌کردند، به‌طور یقین قرآن مجید می‌توانست بسیاری از اختلافات آنان را حل کند (نمل: ۷۶). اما حیف که این کار را نکردند و برای خود غضب و ذلت خریدند (گواهی، ۱۳۷۶، ص ۵۷).

۲. تقوا و اطاعت

خداوند با تأکید بر ارتباط میان ایمان به خدا و رعایت تقوا، با افزایش برکات و رزق و روزی در دنیا، سعی در نهادینه کردن این شناخت در انسان‌های مؤمن دارد و می‌فرماید: «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم» (اعراف: ۹۶).

علاوه بر این، ایمان و تقوا در لحظات حساس و در هنگام نزول بلا به یاری مؤمنان می‌شتابد و آنها را از خطری که دامنگیر کافران گردیده، نجات می‌دهد و می‌فرماید: «وَنَجِّنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ»

انسان در هر حال و هر گناهی که انجام داده باشد، می‌تواند توبه کند. اگر توبه او حقیقی باشد و از روی ترس از گناه نباشد، بلکه از سر عشق به پروردگار باشد، حتی سیئات او به حسنات تبدیل می‌شود. اما اگر توبه از سر عشق نباشد، تنها گناهان او آمرزیده می‌شود (Hertzberg, 1962, p. 195).

قرآن کریم نیز با تأیید این مطلب مؤمنان را به توبه و استغفار از گناهان توصیه می‌کند و از آنان می‌خواهد تا از رحمت الهی مأیوس نگردند (زمر: ۵۳). قرآن کریم استغفار را موجب افزایش برکات مادی و زمینی دانسته است (نوح: ۱۰-۱۲). در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز استغفار به‌عنوان کلید حل بسیاری از مشکلات دانسته شده است. یهوه در عهد عتیق، پس از آنکه از قوم به خاطر اقبال به بت‌ها و خدایان دیگر گله و شکایت می‌کند، تصمیم می‌گیرد تا بنی‌اسرائیل را نیامرزد، اما پس از اصرار بنی‌اسرائیلیان، آنقدر تحت تأثیر توبه و انابه قوم خود قرار می‌گیرد که دل او به سبب تنگی بنی‌اسرائیل محزون می‌گردد و آنها را می‌بخشد (داوران: ۱۰-۱۶).

۵. دعا و درخواست از خداوند

دعا و درخواست از خداوند برای دست‌گیری و یاری به مؤمنان در قرآن کریم و عهد عتیق، از دیگر عوامل جلب امدادهای غیبی است. بنا به حکایت قرآن کریم، در جنگ بدر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مسلمانان برای پیروزی در جنگ از خداوند استمداد می‌کند (انفال: ۹). قرآن کریم از زبان طالوت فرمانروای بنی‌اسرائیل، طلب پیروزی و نصرت را از خداوند، بیان می‌کند (بقره: ۲۵۰). در عهد عتیق نیز رهایی بنی‌اسرائیل از ستم فرعون و خلاصی یافتن آنان از بندگی و غلامی مصریان در نتیجه، استغاثه و دعای قوم دانسته شده است (خروج: ۲۵-۲۳). علاوه بر این، به دعای اشخاصی چون موسی، داود، سلیمان، عزرا و نحمیا و تأثیر آن در نجات قوم اشاره می‌کند.

۶. محبت و ترس از خدا

دوستی و محبت به خدا و ترس از او در قرآن کریم و عهد عتیق، با اختلاف اندکی وجود دارد. در قرآن کریم محبت و دوستی خداوند بر محبت و دوستی غیر ترجیح داده شده است (توبه: ۲۴). محبت بالای خداوند از نشانه‌های مؤمنان، دانسته شده است (بقره: ۱۶۵). حُب و بُغض در راه خدا پسندیده است (مجادله: ۲۲). تقوا و پرهیز از محرمات، به‌عنوان وسیله‌ای جهت اعلام محبت به خداوند بسیار اهمیت دارد. در عهد عتیق، علاوه بر تأکید بر رعایت شریعت و پرهیز از تخلف از دستورات الهی، محبت به شخص یهوه و ترس از او مورد سفارش است. گو اینکه خداوند خود در پی آن بوده است تا در نتیجه امدادهای خود نسبت به قوم، دوستی و محبت ایشان را به دست آورد و آن را زمینه برای امدادهای

(فصلت: ۱۸). اما در عهد عتیق، خداوند امدادهای خود را مشروط به رعایت احکام و قوانین شریعت دانسته است و تقوا بیشتر جنبه عملی دارد. انجام اعمال صالح از طرفی، شرط ورود به آرض موعود است (تثیبه: ۴۰: ۴). بیشترین فقرات عهد عتیق مربوط به اهمیت حفظ و انجام تکالیف الهی است. در واقع، عبادت و اطاعت خداوند زمینه‌ساز برخوردار شدن از انواع نعمت‌های خداوند محسوب می‌شود. به‌دست آوردن رزق و روزی، دوری از انواع مرض‌ها و بیماری‌ها، در امان بودن از خطر دشمنان و... به‌عنوان جلوه‌هایی از امدادهای یهوه، همگی مرهون عبادت خداوند است (خروج: ۲۵-۲۳-۲۷).

۳. جهاد در راه خدا

جهاد در راه خدا نیز از شرایط برخوردار شدن از امدادهای غیبی است (محمد: ۷). برخی مفسران اسلامی، جهاد در راه خدا را از مهم‌ترین مصادیق یاری دین خدا دانسته‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۴۲۶). بر این اساس، خداوند وعده می‌دهد آنان را که در راه او جهاد کنند، به راه‌های خویش هدایت می‌کند (عنکبوت: ۶۹). عهد عتیق نیز از بنی‌اسرائیل می‌خواهد تا برای نبرد و جهاد با اقوام مجاور، که بت‌پرست و مشرک می‌باشند، آماده باشند. در عهد عتیق فتح سرزمین موعود بدون شرکت در جنگ و آمادگی برای مقابله با دشمنان ممکن نیست و موسی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دستور خداوند کسانی را برای جاسوسی از سرزمین کنعان می‌فرستد (رک: اعداد ۱۳: ۲). قرآن کریم با اشاره به بهانه‌جویی و کنار کشیدن بنی‌اسرائیل از صحنه نبرد و همچنین درخواست از موسی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مبنی بر اینکه تو و خدایت با دشمنان بجنگید و سرزمین موعود را فتح کنید، این اقدام را مذموم شمرده است. خداوند متعال نیز در اثر سرپیچی قوم از دستور موسی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنها را مجازات می‌کند و به ایشان اعلام می‌کند که تا چهل سال دیگر وعده ورود به سرزمین مقدس عملی نخواهد شد (مائده: ۲۳-۲۵؛ رک: اعداد ۳۴: ۱۴).

۴. توبه و استغفار

توبه، انابه و استغفار به درگاه خداوند، از دیگر اسباب نزول و وفور امدادهای آسمانی و زمینی است. در منطق عهد عتیق، استغفار و توبه و پشیمانی از انجام گناه، مطلوب شمرده می‌شود. اقرار به گناه و بازگشت به سوی خداوند، زمینه توجهات بعدی خداوند را افزایش می‌دهد. یهوه بارها به قوم خود یادآور می‌شود که اگر شما متواضع و نرم‌دل شوید و خدای خود را به یاد آورید، من هم عهد خود را به یاد خواهم آورد و بر شما رحمت می‌فرستم (لاویان ۴۲: ۳۶).

آرتور هیرتزبرگ در این زمینه تصریح می‌کند:

د. اهداف، نتایج و کارکردها

در عهد عتیق، اگرچه کارکردهایی در نتیجه اعمال نجات بخش خداوند مطرح می‌باشد، اما همان‌طور که اشاره شد، خداوند از انجام کارهای عجیب و غریب خود، هدفی جز تحقق وعده خود مبنی بر حمایت از نسل ابراهیم علیه السلام از طریق یعقوب علیه السلام ندارد. در این راه از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کند. هدف کلی، که در عهد عتیق دنبال می‌شود، نجات یک قوم و وفای به عهد و پیمانی است که خداوند با پدر این قوم بسته است. فراوانی نسل و دادن منطقه‌ای پربرکت مخصوص فرزندان اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام است و اسماعیل علیه السلام، گرچه فرزند دیگر ابراهیم علیه السلام است، اما به‌عنوان فردی وحشی و ستیزه‌جو معرفی می‌شود. بعثت موسی علیه السلام نیز در همین راستا و به جهت نجات قوم خداوند است. موسی علیه السلام وظیفه دارد، بنی اسرائیل را به‌عنوان قوم برگزیده و نخست‌زاده خداوند، که یهوه به خاطرش فدیة می‌دهد، نجات دهد. آنچه که در این کتاب مهم است و به‌عنوان غرض اصلی پیگیری می‌شود، نجات قوم اسرائیل است. خداوند تحت تأثیر قوم، محزون می‌شود و از سخت‌گیری‌های خود پشیمان می‌شود. خداوند به جهت غیرت عظیمی که درباره اسم خود و قوم خود و سرزمین مقدّس دارد، نجات بنی اسرائیلیان را همچنان وعده می‌دهد. درحالی‌که، قرآن کریم هدف اصلی و غایت نهایی خود را هدایت همه انسان‌ها دانسته است (ص: ۸۷) و همگان از هر نوع نژاد و قبیله‌ای را در نزد خداوند یکسان می‌داند و ملاک برتری و فضیلت تقوا معرفی می‌شود (حجرات: ۱۳). قرآن کریم اندیشه برگزیدگی و قوم خاص بودن یهودیان را محکوم نموده است. خداوند سبحان عنوان یهودیت و نصرانیت را مایه نجات و ورود به بهشت ندانسته و از دادن این القاب و عناوین نسبت به پیامبران نهی نموده است (بقره: ۱۱۱، ۱۳۵، ۱۴۰). اکنون به تطبیق این کارکردها و اهداف از منظر عهد عتیق و قرآن کریم می‌پردازیم.

۱. امتحان و آزمایش

یکی از اهدافی که در قرآن کریم و عهد عتیق بر امدادهای خداوند مترتب است، امتحان و آزمایش افراد و یا امت‌هاست. عهد عتیق، با اشاره به برخی امدادهای ویژه خود، مانند تهیه نان و گوشت (خروج ۴: ۱۶) و همچنین تبدیل آب شور به شیرین (خروج ۲۵: ۱۵) و رهبری و همراهی قوم در بیابان، به‌گونه‌ای که هیچ آسیبی ایشان را تهدید ننماید، هدف این‌گونه کمک‌های خود را امتحان و آزمایش قوم می‌داند (تثنیه ۲: ۸). در قرآن کریم نیز با اشاره به دو نوع آزمایش درباره بنی اسرائیل، یعنی بلاء حسن و بلاء سبیء، بر این مطلب تأکید می‌کند که امدادها و نجات خداوند از جمله خلاصی از دست فرعون یک آزمون

بعدی قرار دهد (تثنیه ۲۲: ۳۳-۱۱). بنابراین، محبت و دوست داشتن خداوند از سویی، از اسباب و شرایط امداد محسوب می‌گردد و از سوی دیگر، به‌عنوان یکی از کارکردهای امداد غیبی هم مطرح است. ترس از خداوند در قرآن کریم، نقش مهمی در همراهی و یاری خداوند ایفا می‌کند (نحل: ۱۲۸) و نجات خداوند را در پی دارد (مریم: ۷۲). در عهد عتیق، خداوند با انجام اعمال نجات‌بخش خویش هم دشمنان و هم قوم خود را از قدرت خود می‌ترساند و به آنها هشدار می‌دهد که در صورت تخلف، انتقام خویش را از ایشان تا چندین نسل می‌گیرد (خروج ۵: ۲۰).

۷. وفای به عهد

وفای به عهد از طرف بنی اسرائیل، یکی دیگر از شرایط نزول امدادهای خداوند در عهد عتیق است و به‌عنوان یک شرط اساسی، که دیگر شرایط امداد را دربر دارد، مطرح است. جیکوب نیوزیر درباره نقش وفای به عهد در اعطای سرزمین مقدّس به بنی اسرائیل می‌گوید:

قوم اسرائیل آن سرزمین را نه چون دستاوردی مقرر و معین، بلکه به‌عنوان یک موهبت دارند. از این رو، مادام که بر سر میثاق‌اند، آن سرزمین از آن ایشان است و همه در آن خوشبخت خواهند بود (نیوزیر، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

قرآن کریم نیز با بیان کردن چنین عهد و پیمانی از بنی اسرائیل می‌خواهد تا به عهد خود وفا کنند تا خداوند نیز عهد خویش را عملی سازد (بقره: ۴۰). در قرآن کریم، هر جا سخن از میثاق بنی اسرائیل به میان می‌آید، مراد عهد عتیق یعنی تورات است (مشکور، ۱۳۶۲، ص ۱۴۰). قرآن کریم در ادامه چندین خواسته را از بنی اسرائیل مطالبه می‌کند که می‌توان از آن به‌عنوان مصادیق این عهد و پیمان یاد کرد (بقره: ۴۱-۴۳).

۸. غیرت

از دیگر وسایل نجات بنی اسرائیل در عهد عتیق، غیور بودن و غیرت‌ورزی خداوند نسبت به قوم اسرائیل و سرزمین مقدّس است (رک: حزقیال ۲۵: ۳۹؛ زکریای نبی ۸: ۲-۵). از این رو، جهت خداوند میان قوم و سرزمین مقدّس پیوندی محکم برقرار می‌کند: «پس خداوند برای زمین خود به غیرت خواهد آمد و بر قوم خویش شفقت خواهد نمود» (یوئیل ۱۸: ۲). البته از عهد عتیق کلیت و اطلاق این عامل به‌دست نمی‌آید و قرائن فراوانی بر مشروط بودن آن وجود دارد. قرآن کریم نیز با رد جایگاه ویژه بنی اسرائیلیان به‌عنوان دوستان و اولیاء خداوند، از عذاب آنان در پی گناهان به‌عنوان سندی بر رد این ادعا استفاده می‌کند. همچنین با انتقاد از این سخن که تنها یهود و نصارا داخل بهشت می‌شوند، آن را سخنی بی‌هوده و بی‌دلیل می‌داند (بقره: ۱۱۱).

بزرگ برای بنی اسرائیل بوده است (اعراف: ۱۳۸؛ ابراهیم: ۶). در جنگ بدر نیز از پیروزی مسلمانان بر مشرکان به‌عنوان بلاء حَسَن یاد شده است (انفال: ۱۷).

۲. عبرت‌آموزی

عبرت‌آموزی در نتیجهٔ هلاکت و از بین رفتن دشمنان دین و مؤمنان، از دیگر اموری است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. انتقام از دشمنان در طول تاریخ به وسیلهٔ نزول عذاب یا وقوع بلاهای متنوع و متعدد مانند طوفان نوح، غرق شدن فرعون، نابودی قوم عاد و ثمود و... همگی، به خاطر عبرت‌پذیری دیگران عنوان شده است. قرآن کریم با توجه خاص به این موضوع، از به روی آب آمدن جسد فرعون و نجات بدن او به‌عنوان آیت و نشانه‌ای برای آیندگان و در جهت عبرت‌گیری آنان یاد می‌کند (یونس: ۹۲). و در آیه‌ای دیگر، هلاکت سپاهیان فرعون را به‌عنوان مَثَل و مایهٔ عبرت دیگران دانسته است (زخرف: ۵۵ و ۵۶). در حالی که در عهد عتیق، تعبیر به عبرت‌پذیری وجود ندارد و هدف خداوند از بروز بلاهای خود دربارهٔ مصریان و نجات قوم موسی ﷺ را، افزایش آیات خود و در نتیجه توجه به قدرت یهوه دانسته است (خروج ۹: ۱۵-۱۶). که البته این هدف یهوه منافاتی با جنبهٔ عبرت‌پذیری آن ندارد.

۳. اجرای احکام الهی

یکی از اهداف و کارکردهای اساسی امداد الهی، تشکیل حکومت دینی و زمینه‌سازی برای اجرای احکام خداوند است. عهد عتیق رهایی بنی اسرائیل از دست فرعون (خروج ۱۶: ۷) و همچنین سکونت در سرزمین موعود را جهت انجام عبادات و مناسک دینی می‌داند (تثنیه ۸: ۴-۵). استواری حکومت داود و سلیمان و دادن اختیارات ویژه به ایشان و داوری میان بنی اسرائیل، از جمله مصادیق بارز اجرای احکام خداوند است. قرآن کریم نیز با بیان آثار و نشانه‌های حکومت صالحان در زمین، از جمله اقامهٔ نماز، ادای زکات، امر به معروف و نهی از منکر و... آن را در نتیجهٔ دفاع خداوند از مظلومان و به قدرت رسیدن صالحان می‌داند (حج: ۴۱).

۴. شکر و تسبیح خداوند

شکر و تسبیح خداوند از دیگر آثار امدادهای غیبی در قرآن کریم و عهد قدیم است. خداوند در قرآن کریم، پس از اجابت درخواست موسی ﷺ در فرستادن هارون ﷺ به‌عنوان وزیر و پشتیبان موسی ﷺ، یکی از آثار و پیامدهای آن را تسبیح فراوان خداوند توسط آن دو پیامبر می‌داند (طه: ۲۳). داود و سلیمان ﷺ نیز بعد از عنایات خاص خداوند به آن دو شکر و تسبیح را مخصوص خداوندی می‌دانند که آن دو را

بر بسیاری برتری داده است (نمل: ۱۵). در عهد عتیق، به‌ویژه در سرود داود شکر و تسبیح خداوند به‌عنوان پاسداشت امدادهای یهوه، فراموش نمی‌شود (اول تواریخ ۳۶: ۱۶-۸).

۵. یادآوری نعمت‌ها

به خاطر داشتن نعمت‌های خداوند، به‌عنوان یکی دیگر از آثار و نتایج امدادهای الهی، مورد تأکید قرآن کریم است. قرآن مجید با برشمردن امدادهای خود دربارهٔ پیامبر اسلام ﷺ و نجات جان مؤمنان در لحظات خطرناک، از آن به‌عنوان نعمت‌های خداوند یاد می‌کند (مائده: ۱۱). قرآن کریم با خطاب قرار دادن عیسی ﷺ از تأیید ایشان به‌وسیله روح القدس، دادن کتاب و حکمت، انواع معجزات و بالاخره، الهام به حواریون مبنی بر ایمان آوردن به عیسی ﷺ، از او می‌خواهد تا نعمت‌های خداوند را به یاد داشته باشد (مائده: ۱۱۰ و ۱۱۱). همچنین قرآن کریم از انواع نعمت‌های خاص به بنی اسرائیل مانند برتری بر عالمیان و فرستادن انبیاء و تعیین ملوک از بین قوم و نجات از ستم فرعون سخن می‌گوید و از آنان می‌خواهد این نعمات را همواره به یاد داشته باشند (مائده: ۲۰). در عهد عتیق، به یادداشتن نعمت‌ها به‌طور مستقل مطرح نیست، بلکه یادآوری نعمت‌ها به جهت وفاداری به یهوه و انجام فرامین او مطرح می‌باشد (تثنیه: ۸: ۱۱-۱۶).

برخی از کارکردهای امداد الهی، منحصر در عهد عتیق و خاص قوم یهود است: خدای قوم یهود بودن، به خاطر داشتن یهوه، قربانی نکردن برای خدایان دیگر، تقدیس یهوه در غالب بنای قربانگاه، اعطای هدایا و شکستن بت‌ها، تأدیب قوم، افزایش ایمان، ترس از خدای قدرتمند و محبت و دوستی با او از جمله این آثار است. در قرآن کریم نیز از همراهی نصرت خداوند و در نتیجه، گسترش اسلام و گرایش مردمان به دین خدا، به‌عنوان یکی از دستاوردهای یاری الهی یاد می‌شود (نصر: ۱-۲).

نتیجه‌گیری

علی‌رغم اختلافات موجود در حیطهٔ مفهوم، انواع، شرایط و کارکردهای سنت امداد غیبی در قرآن کریم و عهد عتیق، وجوه مشترک قابل توجهی در زمینه‌های یادشده وجود دارد. با مقارنه و مقایسهٔ آیات قرآن کریم و عهد عتیق در عناوین یادشده، علاوه بر دستیابی به عناصر و مؤلفه‌های مشترک، رگه‌های تحریف و کژی در عهد عتیق تا حدی روشن می‌گردد. برخورداری از جامعیت و هماهنگی، عقلانیت و منطق قوی، همراه با ارائهٔ تصویری صحیح از خداوند و انبیای الهی، از ویژگی‌ها و امتیازات قرآن کریم نسبت به عهد عتیق است.

عهد عتیق، با ارائه تصویری شخص‌وار و محسوس از یهوه، خدایی ساخته که عامل دست انسان است. او با قدرت و زور بازوی خود، اقتدار خود نسبت به دیگر خدایان را به اثبات می‌رساند و با ارائه کارهای عجیب و انتقام گرفتن از دشمنان، دل‌های قوم را به خود جذب می‌کند. درحالی‌که، قرآن کریم خداوند را در عین اینکه رحمان و رحیم دانسته، انسان‌ها را فقیر و نیازمند به او می‌داند (فاطر: ۱۵).

بسیاری از امدادهای مربوط به بنی‌اسرائیل در قرآن کریم به‌طور واقع‌بینانه و به دور از غلو انعکاس یافته است. کسب شرایط لازم جهت تعلق امداد الهی، فاقد هرگونه پشتوانه و تضمین از پیش تعیین شده است. انسان‌ها در پیشگاه الهی برابرند و امتیاز و برتری آنها جز به رعایت تقوا و دستورات الهی حاصل نمی‌شود. در قرآن کریم، نوع نگاه به خداوند سبحان و ساحت انبیا و انسان به نحو متعالی‌تر و توأم با کرامت، انعکاس یافته است. بنابراین، هیچ نیازی برای اثبات برتری خداوند و یک قوم خاص در برابر دیگر خدایان و ابنای بشر وجود ندارد. این خود طرز تلقی از سنت امداد غیبی را به‌گونه‌ای متفاوت از عهد عتیق نمایان می‌سازد.

منابع

اشرفی، عباس (۱۳۸۵)، *مقایسه قصص در قرآن و عهدین*، تهران، امیرکبیر.

آرمسترانگ، کرن (۱۳۸۲)، *خداشناسی از ابراهیم تا کنون دین یهود، مسیحیت و اسلام*، ترجمه محسن سپهر، تهران، مرکز.

آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۸۶)، *تحقیقی در دین یهود*، چ چهارم، تهران، نگارش.

چارلز زینر، رابرت (۱۳۸۹)، *دانش‌نامه فشرده ادیان زنده*، ترجمه نزهت صفای اصفهانی، تهران، مرکز.

حکمت، علی‌اصغر (۱۳۴۵)، *تاریخ ادیان*، چ سوم، تهران، ابن‌سینا.

راغب، حسین‌بن محمد (بی‌تا)، *مفردات الفاظ القرآن*، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی، تهران، ناشر مرتضوی.

راغب‌اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.

رسول‌زاده، عباس (۱۳۸۹)، «سلیمان اسطوره یا تاریخ»، *معرفت ادیان*، ش ۵، ص ۱۵۳-۱۷۵.

رضایی، عبدالعظیم (بی‌تا)، *تاریخ ادیان جهان*، تهران، علمی و فرهنگی.

رنجبران، داود (۱۳۸۹)، *نقد و بررسی عرفان‌های وارداتی؛ کابالیزم*، چ دوم، تهران، ساحل اندیشه.

سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۸۶)، *درسنامه ادیان ابراهیمی*، بی‌جا، کتاب طه، انجمن علمی ادیان و مذاهب.

شولتز، ساموئل (بی‌تا)، *عهد عتیق سخن می‌گوید*، ترجمه مهرداد فاتحی، بی‌جا، آموزشگاه کتاب مقدس.

صادق‌نیا، مهرباب، «خدای عهد عتیق»، (پاییز ۱۳۸۱)، *هفت آسمان*، ش ۱۵، ص ۲۲۴.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۲۰۰۲م)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اعلمی.

کتاب مقدس (۲۰۰۹ م)، چ پنجم، ایلام، ایلام.

کریستنون، جولیس (۱۳۷۷) *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

گواهی، عبدالرحیم (۱۳۷۶)، *درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مشکور، محمدجواد (۱۳۶۲)، *خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ*، چ دوم، تهران، شرق.

مصباح، محمدتقی (۱۳۸۰)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، چ پنجم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، *نبوت*، چ ششم، تهران، صدرا.

_____ (۱۳۸۵)، *امدادهای غیبی در زندگی بشر*، چ یازدهم، تهران، قم، صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

ناصری، محمدحسن (۱۳۸۲)، «امدادهای غیبی»، *دایرة المعارف قرآن کریم*، قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

نیوزنر، جیکوب (۱۳۸۹)، *یهودیت*، ترجمه مسعود ادیب، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

ویر، رابرت (۱۳۷۴ش) *جهان مذهبی (ادیان در جوامع امروز)*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

هاشم، رضی (۱۳۴۴ش) *ادیان بزرگ جهان*، بی‌جا، آسیا.

هینلز، جان ر (۱۳۸۵)، *راهنمای ادیان زنده*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.